

واکاوی تسهیل گرهای مشارکت خانواده در سیاست گذاری های تربیتی

معصومه صمدی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۷

DOI: 10.30497/esi.2024.245553.1712



چکیده

هدف از انجام این پژوهش واکاوی تسهیل گرهای مشارکت خانواده در سیاست گذاری های تربیتی بود. این پژوهش از نوع مطالعات کیفی و به روش توصیفی- تحلیلی با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شد. جامعه آماری پژوهش کارشناسان خبره حوزه خانواده و آشنا به حوزه تعلیم و تربیت بودند که به روش نمونه گیری هدفمند، براساس ملاک های تألیف اثر علمی، داشتن تجربه کاری در حوزه سیاست گذاری تربیتی، عضویت در انجمن اولیاء و مربیان و تأهل، به صورت گلوله برفی انتخاب شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات مصاحبه نیمه ساختار یافته بود که چارچوب آن براساس تحلیل محتوای ادبیات پژوهش، تدوین و براساس نظرخواهی از سه متخصص مورد تأیید قرار گرفت. پس از انجام مصاحبه، داده های حاصله با استفاده از روش دلفی، تحلیل شد. یافته های پژوهش بیانگر استخراج ۲۷ تسهیل گر در ۵ گروه حاکمیتی (۵ تسهیل گر)، اجتماعی (۹ تسهیل گر)، قانونی (۳ تسهیل گر)، ساختاری (۷ تسهیل گر) و آموزشی (۴ تسهیل گر) بود. نتایج پژوهش حاضر بیانگر این بود که مشارکت خانواده در سیاست گذاری تربیتی نیازمند مهیا نمودن چهار وجه تربیتی است. این وجوه چهارگانه شامل باور سیاستگذاران تربیتی به ضرورت حضور خانواده در تعیین سیاست های تربیتی، ارائه آموزش های لازم به خانواده در این زمینه، تقویت شفافیت اطلاعات در زمینه عملکرد نظام آموزشی و فرایند سیاست گذاری تربیتی و در نهایت، افزایش اعتماد و باور به ضرورت هم افزایی میان دو نهاد خانواده و تعلیم و تربیت است. ظهور و بروز این چهار وجه در تعامل با یکدیگر، تسهیل گر مشارکت خانواده در سیاست گذاری تربیتی است.

واژگان کلیدی: تسهیل گرها، سیاست گذاری تربیتی، مشارکت خانواده، نظام تعلیم و تربیت.

بیان مسئله

پدیده تربیت، امروزه، پدید، پیچیده و چندوجهی است که تنها از طریق آموزش و پرورش امکان پذیر نیست و مشارکت ذینفعان از جمله خانواده را طالب است. اهمیت خانواده در امر تربیت به گونه ای است که در دین برای حضور خانواده در حوزه تربیت و سیاست گذاری های تربیتی، جایگاه ویژه ای در نظر گرفته شده است. مصداق این نقش آفرینی، آیاتی در قرآن کریم است (بقره، ۲۲۳؛ تحریم، ۶؛ مریم، ۵۵؛ لقمان، ۱۳؛ ۱۷، هود، ۴۴). برای مثال، در سوره تحریم، آیه ۶ آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ... (ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده خود را حفظ کنید از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ ها است)». به کار رفتن فعل امر در این آیه، دلالت بر وجوب دارد. از پیامبر (ص) پرسیدند، چگونه خود و خانواده مان را از آتش خشم خدا بر حذر داریم؟ فرمود: «خود کارهای نیکو کنید و خانواده خود را به کارهای نیکو بخوانید و آن ها را مطیع و بنده خدا بار آورید.» امام علی (ع) در تفسیر این آیه، فرمود: «خود و خانواده خود را خیر بیاموزید و آن ها را تربیت کنید».

تعمق بر این آیه و تفاسیر به عمل آمده از این آیه، مبین محوریت نقش خانواده در امر تربیت است. براساس روایات وارده، هیچ نهاد یا مؤسسه ای در بهترین شرایط نیز نمی تواند همانند خانواده بر شکل گیری شخصیت فرزندان نقش آفرین باشد (کیهان، ۱۳۹۹). از این رو، خانواده اولین کانون تربیت غیررسمی است که در فضای تربیت غیررسمی، به طور ضمنی، به امر سیاست گذاری تربیتی می پردازد و آینده فکری، فرهنگی و اعتقادی فرزندان را پایه ریزی می کند. براساس روایات وارده، ظرفیت نقش آفرینی خانواده در امر تربیت، به حدی است که مکتب تربیتی اسلام همواره مسئولیت های اساسی برای خانواده را در امر تربیت فرزندان تعیین کرده است. در تاریخ فرهنگ ایرانی نیز از گذشته های خیلی دور، خانواده در سیاست گذاری تربیتی (تربیت از نوع غیررسمی) نقش کلیدی و اساسی بر عهده داشته است. امروزه هرچند تفاوت های نسلی منجر به شکاف عمیق بین اعضای خانواده شده است، اما همچنان در اشکال مختلف تربیت غیررسمی، خانواده نقش مؤثری ایفا می کند و تصمیم گیری های تربیتی را تحت تأثیر قرار می دهد (ایمانی، کلدی و ساروخانی، ۱۴۰۲).

علاوه بر حوزه دین، حوزه علم نیز محوریت خانواده را در سیاست‌گذاری‌های تربیتی، مدّ نظر قرار داده است. برای مثال: روانشناسانی از قبیل آیزنبرگ و لوسویا^۱ (2020)، به نقل از صمدی و رضایی (۱۳۹۰)، بر این باورند که خانواده نخستین محیطی است که سرنوشت فرزندان در حوزه‌های کلان زندگی را رقم می‌زند. آیزنبرگ (2020)، مک نیل و زمن^۲ (2021) و دنهام، فربر، باست^۳ (2020) بر این باورند که خانواده نخستین بافت مهم و مؤثر در سیاست‌گذاری‌های تربیتی فرزندان است و این ظرفیت را دارد که به روش‌های گوناگون بتواند بر سر مسائل کلان تربیت رسمی (سیاست‌گذاری تربیتی) و ظهور شایستگی‌ها و ظرفیت‌های فرزندان تأثیرگذار باشد.

سیاست‌گذاری تربیتی، سیاست‌گذاری‌هایی است که با وضع قوانین و مقررات و تعیین ضوابط و معیارها به تعیین خط مشی و در ادامه به ارزیابی سیاست‌های تعیین‌شده در حوزه مورد نظر که در این مطالعه حوزه مشارکت خانواده است، می‌پردازد. سیاست‌گذاری گام اول چرخه برنامه‌ریزی است. به همین لحاظ، برنامه‌ریزان قبل از آنکه اجرا و ارزیابی یک فرایند را به‌طور اثربخش طراحی کنند، باید یک ارزیابی پویا از چگونگی سیاست‌ها داشته باشند. از گذشته‌های دور، سه عامل قدرت فردی، نخبگان قدرتمند و ذی‌نفعان در شکل‌گیری سیاست، دخالت داشته‌اند. اما در گذر تاریخ، این عوامل به‌گونه‌ای مفصل در قالب عوامل مختلف، ظهور و بروز پیدا کرده است. محوریت اصلی در سیاست‌گذاری آینده - نگرش، کل‌نگری، جامعه‌نگری و توجه به اموری است که نتایج درازمدت داشته باشد (Denham, Ferrier & Bassett, 2020).

باتوجه به اهمیت حضور خانواده به‌عنوان شرکای اصلی نظام آموزش رسمی و عمومی و اهمیت حضور و نقش‌آفرینی خانواده در نظام‌های آموزشی متمرکز (که معمولاً در این نظام‌ها، توجه به نیازها و شرایط امکانات موجود محیطی در حد انتظار نیست) و وجود موانع فراوان بر سر راه این نقش‌آفرینی (گوهری، جمشیدی و امین بیدختی، ۱۳۹۴؛ ایمانی و دیگران، ۱۴۰۲)، سؤالی که مطرح است این است که تسهیل‌گرهای مشارکت خانواده در سیاست‌گذاری تربیتی رسمی چیست؟

-
1. Eisenberg. & Losoya.
 2. McNeil & Zeman.
 3. Denham, Ferrier & Bassett.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تسهیل‌گرها^۱

تسهیل‌گرها به عوامل کلیدی اطلاق می‌شود که به صورت مستقیم و غیرمستقیم، شکل-دهنده مشارکت خانواده در سیاست‌گذاری تربیتی است و سبب ایجاد تغییر و تحول وضع موجود یا ایجاد شرایط جدید می‌شود (اخوان کاظمی و نیکونهاد، ۱۳۹۷، ص ۱۵).

تسهیل‌گرها در نقش پیش‌ران در فرایند سیاست‌گذاری یا خط‌مشی‌گذاری‌های عمومی، نقش مهمی ایفا می‌کنند و به‌علاوه برخورداری از ظرفیت‌های لازم در تعریف مسائل جدید و طراحی خط‌مشی‌ها برای حل مسائل، اصلاح شرایط و برطرف کردن محدودیت‌ها مهم و تعیین‌کننده‌اند؛ از این رو، قلمرو، شدت، زمان و منابع که معمولاً ایده‌ها، طرح‌ها، فرضیه‌ها و انگاره‌های جدید را شکل می‌دهند، همواره در تعیین سیاست‌گذاری‌ها، تأثیرگذار و زمینه-ساز و جلورونده فعالیت‌ها هستند. (تقوا، دانش فرد و میرسپاسی، ۱۴۰۲، ص ۵۰).

تسهیل‌گرهای مشارکت‌های خانواده در سیاست‌گذاری تربیتی، تابعی از پیش‌ران‌های فرهنگی و اجتماعی (فرهنگ‌سازی و آگاهی خانواده‌ها از مسائل آموزشی و استفاده از نهادهای فرهنگی برای آگاهی) هستند. فرهنگ‌سازی در آگاهی خانواده‌ها از مسائل آموزشی و ادراک خانواده از اثربخش بودن خود، باورمندی عاملان تربیت به توانمندی خانواده است که از مفاهیمی همچون آگاهی نسبت به مشارکت آموزش خانواده‌ها، کلاس‌های توجیهی برای آحاد جامعه، تدوین برنامه‌ها برای تقویت فرهنگ مشارکت، برنامه‌های آموزشی و برنامه‌ریزی برای فرهنگ‌سازی و آگاهی خانواده‌ها از مسائل آموزشی سرچشمه می‌گیرد که موجب نگرش مثبت آنها نسبت به مدرسه و نهایتاً رشد و تربیت فرزندان می‌شود.

سیاست‌گذاری تربیتی

سیاست‌گذاری تربیتی زیرمجموعه سیاست‌گذاری عمومی است (داوود آبادی و بهرامی، ۱۳۹۹). سیاست‌گذاری تجلی اراده حکومت در عمل، در مجموعه‌هایی مرتبط، متشکل از مقاصد، تصمیمات و سیاست‌ها است (عصاره‌نژاد و فرخی، ۱۳۹۹؛ صمدی، ۱۴۰۱، ص ۱۴). سیاست‌گذاری تربیتی تعیین‌کننده جهت‌گیری نظام آموزشی است و تحقق اهدافی را که در قانون اساسی و بخشی از قوانین آموزش و پرورش در ارتباط و هماهنگی با مرجعیت کلی

1. facilitators

جامعه که به عهده سازمان آموزش و پرورش رسمی گذارده شده است، ممکن می‌سازد (فدایی، مهرمحمدی، صالحی امیری و ذوالفقارزاده، ۱۴۰۱). شایان ذکر است که پرداختن به حوزه سیاست‌گذاری تربیتی از آن‌جهت مهم است که به میزان زیادی تعیین‌کننده کیفیت عملکرد نظام آموزشی و ناظر بر تأمین، تمهید و تضمین اهداف نظام تعلیم و تربیت در جهان امروزی است و در موفقیت یا عدم موفقیت نظام آموزشی در نیل به اهداف تنظیم‌شده، نقش بسزایی دارد.

برای پرداختن به موضوع سیاست‌گذاری تربیتی، اولین نکته‌ای که قابل طرح است، این است که مفهوم تربیت در نظام تربیت رسمی و عمومی، تربیت به چه معنی است؟ مرور مبانی نظری سند تحول بنیادین حاکی از این است که تربیت، عبارت‌است از، فرایند تعاملی زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متربیان به صورتی یک‌پارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده‌شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبیه در همه ابعاد، است (مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ص ۲۲۶). براساس این تعریف، تربیت فرایندی دوسویه است؛ از یک سو، زمینه‌سازی است که در آن مربیان با طراحی، سازماندهی و تدارک فرصت‌های مناسب در قالب تدابیر و اقداماتی تدریجی، سنجیده و هماهنگ براساس نظام معیار، زمینه مناسبی را فراهم می‌سازند و از سوی دیگر، عمل کسب است که در آن متربیان با مشارکت فعال در این فرایند و استفاده مناسب از فرصت‌های فراهم‌شده، شایستگی‌های فردی و جمعی لازم را کسب می‌کنند و از این طریق آماده می‌شوند تا آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبیه را در همه ابعاد محقق سازند. البته این فرایند در خلاء رخ نمی‌دهد و تحقق شایسته آن، به‌مثابه مهم‌ترین عمل اجتماعی، زمینه‌ساز تحقق حیات طیبیه و مستلزم مشارکت فعال تمامی عوامل اجتماعی‌سهمیم و مؤثر در آن، به‌ویژه پشتیبانی مؤثر عناصر اصلی اجتماع (خانواده، دولت، رسانه و سازمان و نهادهای غیر دولتی)، به‌منزله ارکان این فرایند در دوران معاصر است (مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ص ۲۲۷).

سیاست‌گذاری تربیتی با ساختار قدرت مرتبط است و مشتمل بر سیاست‌ها، اقدامات و کارکردهایی است که نهاد دولت در حوزه آموزش و پرورش در پیش می‌گیرد و مسیر نظام تعلیم و تربیت را در تحقق اهدافش هموار می‌سازد (حیدری، ۱۳۹۹). آنچه در سیاست-

گذاری تربیتی از آن سخن می‌رود، مشخص کردن خط‌مشی کلی و یا مجموعه اصول و کنش‌های مرتبط به امور آموزشی، اعم از نظام رسمی یا غیررسمی است که براساس اهداف مطلوب و موردنظر سیاست‌گذاران، دنبال یا پیگیری می‌شود. این اصول و سیاست‌ها مقدمه‌ای برای فعالیت برنامه‌ریزان آموزشی در تمام سطوح آموزشی، اعم از ابتدایی و متوسطه است (نیاز آذری، اسماعیلی شاد و ربیعی دولابی، ۱۳۹۰). سیاست‌گذاری تربیتی نوع سیاست‌ها، تصمیمات و کنش‌هایی را که دولت در عرصه تعلیم و تربیت در رسیدن به اهداف پیش‌بینی‌شده، اتخاذ می‌کند متأثر کرده و در ارائه آموزش با کیفیت و تربیت صحیح دانش‌آموزان، نقش کلیدی ایفا می‌کند.

سیاست‌گذاری تربیتی فارغ از افراط و تفریط، می‌تواند موجب تحقق رسالت اصلی آموزش و پرورش که همانا تربیت و رشد تک‌تک انسان‌ها به‌منظور کمال نفس است، شود. سعی و کوشش با هدف اصلاحات در آموزش و پرورش، مشروط بر ایجاد هماهنگی و تجانس در لایه‌های مختلف نظام آموزشی، دگرگونی‌های سازنده و تاثیرگذاری در نظام آموزشی است. در سایه سیاست‌گذاری‌های تربیتی است که ارزش‌ها و هنجارها از نو بازسازی و بازآفرینی می‌شوند؛ از این رو، لازم است، محتوای سیاست‌گذاری به‌تناسب ویژگی‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی با حفظ سیاست‌های کلی کشور، انعطاف‌پذیر باشد (نادری، نوروزی و سیادت، ۱۳۹۵).

شیوه‌های سیاست‌گذاری تربیتی در نظام‌های مختلف آموزشی متفاوت است که می‌تواند نظام‌مند، کل‌گرایانه، موقتی (تدریجی) و وارداتی باشد (نادری و دیگران، ۱۳۹۵). در الگوی کل‌گرایانه، شاخص‌های فرایند سیاست‌گذاری عبارتند از: بخشی‌بودن؛ به این معنا که لازم است مسائل آموزشی به بخش‌های مختلف تقسیم شود و به هریک از آن‌ها، به‌صورت جداگانه، پرداخته شود و سپس همه، به‌صورت یک کل، مورد مطالعه قرار گیرد. لایه‌ای-بودن؛ هرمرحله از فرایند تشکیل‌دهنده یک لایه است. مرحله‌ای‌بودن؛ لایه‌های مختلف مراحل از پیش تعیین‌شده دارند. اشتراکی‌بودن؛ موفقیت در سیاست‌گذاری آموزشی به تعامل و همکاری و هماهنگی صداهای موجود (شرکای موجود یا ذینفعان) بستگی دارد. حلقوی-بودن؛ سیاست‌گذاری دارای سلسله‌مراتبی است که در آخرین مرحله به سیاست‌گذاری می‌انجامد و به‌صورت چرخه‌ای یا حلقوی، رشد می‌کند (نادری و دیگران، ۱۳۹۵).

سیاست‌گذاری تربیتی نقطه تلافی قانون، سیاست و تعلیم و تربیت است و سعی دارد به نتایج مطلوب تربیتی در یک محیط سیاسی، گاه متضاد، دست یابد. سیاست‌گذاران تربیتی باید با استفاده از متغیرهای متعدد، محیط را تحلیل کنند تا به بهترین تصمیم متناسب با منافع ذینفعان دست یابند و تعیین‌کننده جهت‌گیری نظام آموزشی و تحقق اهداف آموزش و پرورش، جهت حفظ و توسعه منافع ذینفعان، صورت گیرد.

در بررسی تحلیلی سیاست‌گذاری‌های تربیتی در چهار دوره تاریخی نظام آموزش - پرورش ایران، از دوره پیش از مشروطیت تا حاکمیت جمهوری اسلامی، گفتمان غالب سیاست‌گذاری‌های تربیتی متمرکز بر دو بُعد عدالت آموزشی و مشارکت همگانی بوده است (عبداللهی، عباس‌پور، نادری و خورسندی طاسکو، ۱۴۰۱). بنابراین احساس می‌شود که به تخصصی‌کردن، قانون‌مدار کردن سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط با سیاست‌گذاری‌ها نیاز است. اسناد بین‌المللی و کنوانسیون‌های حقوقی مرتبط با آموزش و پرورش، وظیفه تعلیم و تربیت را مسئولیت مشترک والدین و دولت دانسته‌اند.

براین اساس، مؤثرترین عامل در پیشرفت نظام آموزشی، مشارکت خانواده است؛ چراکه خانواده برحسب وظایف ذاتی خود، بیشترین نقش را در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان ایفا می‌کند (صمدی، ۱۴۰۰). از دلایلی که برای توجیه مشارکت فعال خانواده در سیاست - گذاری تربیتی نظام آموزش رسمی و عمومی مطرح است، این است که خانواده می‌تواند براساس نیاز، تفکر و هدف مشترک، با مشارکت خود، بخشی از ناکافی بودن اقدامات و ضعف‌های دولت را در این زمینه پوشش دهد.

نقش خانواده در سیاست‌گذاری تربیتی

خانواده نهادی است که به دلیل نقش کلیدی در تربیت غیررسمی دانش‌آموزان، حضورش در تعیین سیاست نهاد آموزش و پرورش در معنای عام و مدرسه در معنای خاص، می‌تواند تعیین‌کننده باشد؛ چراکه مهمترین نقش در زمینه‌سازی رشد و تحول فرزندان را بر عهده دارد؛ از این رو، نه تنها در پشتیبانی و اجرای طرح‌های تربیتی، بلکه در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و به‌ویژه ارزشیابی از برنامه‌ها، لازم است که مشارکت فعال داشته باشد (Backer & Epstein, 1993). اما نکته مهم این است که اولاً، مشارکت فعال، تمام سطوح فعالیت‌های تربیتی از هدف‌گذاری تا اجرا و حتی ارزشیابی و اقدامات اصلاحی را

دربر می‌گیرد؛ ثانیاً مشارکت فعال خانواده در فعالیت‌های تربیتی، نخست، از منظر تکلیف الهی و وظیفه دینی مورد ملاحظه قرار می‌گیرد؛ یعنی خانواده در بارگاه الهی نسبت به عملکرد تربیتی دولت اسلامی باید مطالبه‌گر باشد و نمی‌تواند از خویش سلب مسئولیت کند. از طرف دیگر، دولت هم در رابطه با عملکرد تربیتی خود در بخش درگیرکردن شرکا یا ذی‌نفعان باید پاسخگو باشد؛ بنابراین با عنایت به تلازم حق با تکلیف در امر تربیت در دیدگاه اسلامی، مشارکت والدین در فرایند تربیت (در همه انواع آن)، هم حق و هم تکلیف آن‌ها است. بدیهی است که نقش و جایگاه خانواده در انجام تکلیف و حق تربیت فرزندان در تمامی سطوح و انواع تربیت، یکسان نیست و به سبب شرایط رشدی، متفاوت خواهد بود.

اگرچه پی‌بردن به ضرورت نقش خانواده در سطح سیاست‌گذاری تربیتی بسیار ارزشمند است، اما در عمل، تدوین سیاست‌های آموزشی زمانی راه‌گشایند که صدای تمام ذینفعان، به‌ویژه خانواده که از کلیدی‌ترین آن‌ها است، شنیده شود. در چنین شرایطی است که تعامل دوسویه و چندسویه معنی دارد و زمینه را برای کاربردی‌شدن تصمیمات و خط‌مشی‌ها فراهم می‌کند. منظور از تعامل دوسویه این است که خانواده، یکی از ارکان تربیت، هم می‌تواند با قابلیت‌های خود بر سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها و تصمیم‌گیری‌های کلان تأثیرگذار باشد و هم از سیاست‌ها تأثیر بپذیرد.

از آنجاکه در نظام‌های آموزشی متمرکز، سیاست‌گذاری تربیتی در سطح ستاد، انجام می‌شود، ضرورت همراهی و مشارکت خانواده‌ها دوچندان می‌شود و از آنجاکه اکثر تصمیم‌گیرندگان با نیازها، شرایط و امکانات موجود در کلاس‌ها و مدارس سراسر کشور آشنایی کامل ندارند و نسبت به نیازها و علایق جدید دانش‌آموزان شناخت کمتری دارند، ممکن است سیاست‌گذاری‌ها و تعیین خط‌مشی‌ها متناسب با نیازهای دانش‌آموزان و مقتضیات و شرایط مختلف سیاسی-اجتماعی کشور نباشد؛ براین‌اساس، مشارکت شرکا که در این مطالعه، خانواده است، می‌تواند در نقش بازوان قوی، اساسی برای نظام تعلیم و-تربیت رسمی و عمومی به حساب آید.

اهمیت نقش خانواده در سیاست‌گذاری تربیتی به حدی است که در اسناد تحولی آموزش و پرورش، اعم از مبانی نظری سند تحول آموزش و پرورش (۱۳۹۰) در عالم اندیشه (نظر)،

به‌طور مبسوط، به این موضوع پرداخته شده است و یافته‌های حاصله نیز در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱. گزاره‌های مستخرج از مبانی نظری سند احوال بنیادین، ناظر بر مشارکت خانواده در سیاست‌گذاری تربیتی

صفحه	گزاره‌های استخراج‌شده پیرامون مشارکت فعال خانواده در سیاست‌گذاری تربیتی
۲۳۴	در نظام تربیت رسمی و عمومی، خانواده مهم‌ترین پشتوانه تشکیل جامعه صالح به‌شمار می‌رود.
۲۲۳	نهاد خانواده از جمله نهادهای اجتماعی مؤثر و بنیادی است که نقشی غیرقابل‌انکار در تربیت به عهده دارد.
۲۱۸	حضور خانواده در فرایند تربیت رسمی و عمومی، روشی مطمئن برای پیشگیری از دولتی‌شدن نظام تربیت رسمی و عمومی و کنترل سلطه نامحدود دولت بر روند تکوین هویت افراد و ابزاری‌شدن آن و راهکار مناسب در برابر انتقادات وارده است.
۲۳۶	تربیت رسمی بخشی از جریان تربیت است که به‌شکل سازمان‌دهی‌شده، قانونی، عادلانه، همگانی و الزامی در مدرسه با محوریت دولت و مشارکت ارکان تربیت، از جمله خانواده، صورت می‌گیرد.
۱۸۲	دولت باید با استفاده از سیاست‌گذاری‌های مناسب، مشارکت سازنده و فعال عوامل سهیم و مؤثر در جریان تربیت، از جمله خانواده، را تضمین کند.
۱۸۲	مشارکت خانواده در فرایند تربیت (همه انواع آن)، هم حق است و هم تکلیف. دولت موظف است در استیفای این حق و کمک به ادای این تکلیف، بکوشد و سازوکارهای ضروری آن را فراهم آورد.
۱۸۲	دولت لازم است با طراحی و اجرای تدابیر مناسب، خانواده را به‌لحاظ فکری و انگیزشی، برای انجام‌دادن تکالیف تربیتی و ایفای این نقش فعال در فرایند تربیت فرزندان خویش، آماده کند.
۳۰۳	در تربیت رسمی و عمومی، باید به شایستگی‌های پایه عواملی که به تقویت نهاد خانواده می‌انجامد و از لوازم استحکام خانواده محسوب می‌شود، توجه خاص شود.
۲۹۸	خانواده و مدرسه دو نهاد تربیتی مکمل هستند؛ لذا سازوکارهای تربیت رسمی باید به‌گونه‌ای باشد که حقه تربیت خانواده، یکی از ارکان تربیت، رعایت شود.
۳۱۷	رابطه حاکمیت و خانواده در امر تربیت رسمی و عمومی، رابطه تعاملی و طولی است.
۲۱۸	تداوم تکلیف والدین در امر تربیت، تعامل دولت و خانواده را اجتناب‌ناپذیر نموده است.
۲۹۸	خانواده باید نقش تعیین‌کننده در سازوکارهای تصمیم‌گیری و اجرایی تربیت رسمی و عمومی داشته باشد.
۳۱۸	در نظام حقوقی اسلام مشارکت و نظارت بر تربیت رسمی و عمومی، حق والدین است.

صفحه	گزاره‌های استخراج شده پیرامون مشارکت فعال خانواده در سیاست‌گذاری تربیتی
۳۱۸	دولت موظف است، خانواده را در تدوین مقررات آموزشی، انتخاب محتوا و تهیه منابع آموزشی مشارکت دهد.
۳۱۸	دولت موظف است، زمینه تأمین هزینه‌ها و نحوه مصرف اعتبارات و جلب مشارکت مادی برای خانواده‌ها را فراهم نماید.
۳۱۸	خانواده در راستای تحقق حق تربیت رسمی، می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های آموزشی نظام تربیت رسمی و عمومی حضور داشته باشد.
۲۸۷	مشارکت خانواده، اصحاب رسانه و سازمان‌های غیردولتی در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، پشتیبانی، هماهنگی، اجرا، نظارت و ارزشیابی در تحقق‌بخشیدن به رسالت و اهداف نظام تربیت رسمی و عمومی ضروری است.
۲۱۴	از حقوق والدین در فرایند تربیت رسمی و عمومی، نظارت بر نظام تربیت رسمی و عمومی است.
۳۵۰	همسویی میان خانواده و سایر نهادهای سهیم در جریان تربیت رسمی و عمومی، حق همه عوامل سهیم و مؤثر است.
۳۱۸	از نقش‌های تعیین‌شده برای خانواده در نظام تربیت رسمی و عمومی، مشارکت در فعالیت‌های مدرسه‌ای، مانند مشارکت در طراحی و اجرای برنامه‌های درسی غیرالزامی است.
۳۵۰	توجه به محوریت خانواده در تدوین و اجرای برنامه تربیتی، ضروری است.
۱۸۲	نقش و جایگاه خانواده در انجام تکلیف و حق تربیت فرزندان در همه سطوح و انواع تربیت یکسان نیست. تردیدی نیست که این نقش به سبب شرایط رشدی در سنین آغازین، برجسته‌تر و حساس‌تر است.
۳۵۰	در مرحله اول تربیت (سه سال اول ابتدایی)، وجود ارتباط و هماهنگی کامل میان عوامل و نهادهای تربیت رسمی و غیررسمی ضروری است.
۳۵۱	در مرحله دوم تربیت (سه سال دوم ابتدایی)، هماهنگی و همسویی میان خانواده و مدرسه و سایر نهادهای تربیتی ضروری است.
۳۱۸	وزارت آموزش و پرورش موظف است از مشارکت حداکثری خانواده‌ها و دستگاه‌های فرهنگی برای طراحی و اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های خارج از کلاس و مدرسه، به‌ویژه بخشی از برنامه‌هایی که در تابستان اجرا می‌شود، استفاده کند.
۳۰۳	عضویت فضیلت‌مدارانه فرزندان در خانواده صالح از مؤلفه‌های اساسی ارتباط با خانواده است که در شکل‌گیری بنیادهای هویت انسان‌ها نقشی انکارناپذیر دارد؛ از این رو از مؤلفه‌های تربیت اجتماعی خانواده و زندگی خانوادگی است.

صفحه	گزاره‌های استخراج‌شده پیرامون مشارکت فعال خانواده در سیاست‌گذاری تربیتی
۳۲۳	تعهد حاکمیت به رعایت، حمایت و تحقق کامل حق تربیت رسمی و عمومی دلالت بر این دارد که به افراد و گروه‌ها و انجمن‌های غیردولتی اجازه داده می‌شود، در راستای تحقق کامل این حق، به صورت قانونمند، مشارکت جویند؛ لذا، علاوه بر حضور خانواده در جریان تربیت رسمی و عمومی، باید فضایی برای مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی که در حوزه تربیت رسمی و عمومی علاقه یا تخصص دارند نیز فراهم گردد.
۳۰۱	انعطاف‌پذیری نسبت به واقعیات متنوع محیطی و خرده‌فرهنگ‌ها و خانواده‌ها (ضمن اصول) لازم است.

مرور گزاره‌های مستخرج از مبانی نظری سند تحول بنیادین حاکی از این است که در سطح نظر، خانواده در جایگاه یک نهاد تربیتی، مورد توجه قرار گرفته است و بر مشارکت فعال خانواده در سیاست‌گذاری‌های تربیتی نظام آموزشی، نظام مدرسه‌ای و فعالیت‌های فوق برنامه تأکید فراوان شده است.

الگوهای مشارکت خانواده در سیاست‌گذاری تربیتی

مشارکت خانواده در مدرسه به رفتارها و کنش متقابل بین خانواده و مدرسه، پیشبرد آرزوهای والدین برای آینده فرزندان خود مربوط است (Spera, Wentzel & Matto, 2009). این مشارکت دارای ابعادی است که عبارت است از، والدین بیننده یا تماشاچی، والدین به‌مثابه تصمیم‌گیرنده، والدین داوطلب فعال در امور کلاس درس، والدین در جایگاه متخصص، والدین یادگیرنده و درنهایت، والدین به‌مثابه مربی در چارچوب خانه در نظر گرفته شده است. اپستین و جانسون^۱ (2004) مشارکت والدین در مدارس را بر شش نوع فرزند-پروری، ارتباط‌یابی، مشارکت داوطلبانه، یادگیری در خانه، تصمیم‌گیری و مشارکت با سازمان‌های اجتماعی می‌داند. در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، مشارکت خانواده را به انجمن اولیا و مربیان و در سطح ستاد، معاونت مشارکت‌های مردمی محدود نموده‌اند؛ درحالی‌که امروزه، براساس اسناد بالادستی، از جمله سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، مشارکت حداکثری عوامل سهیم و مؤثر در امر تربیت، چون خانواده، مد نظر است. مشارکت والدین می‌تواند در اشکال و مدل‌های گوناگون انجام پذیرد. اپستین و

1. Epstein & Jansorn.

ساندرس^۱ (۲۰۰۲) پیوستاری از الگوهای مشارکت خانواده تحت عنوان الگوی حمایتی، الگوی انتقال خانه به مدرسه، الگوی اغنای برنامه درسی و الگوی مشارکتی فیتزجرالد^۲ (۲۰۰۴) را مطرح کردند.

به دلیل اهمیت موضوع، پژوهش‌هایی در این زمینه در داخل به عمل آمده است؛ از جمله قربانی‌زاده، معتضدیان، حسین‌پور و رهبر (۱۴۰۰) در طراحی الگوی مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری عمومی با رویکرد چندروشی، مدلی مرحله‌ای با ۵ پدیده، ارائه کردند. براساس الگوی پژوهش، پدیده محوری، مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری است که از سه مقوله عوامل ساختاری، اقتصادی و رفتاری تشکیل شده است. شرایط زمینه‌ای دربرگیرنده دو مقوله میزان بازبودن فضای سیاسی و سطح فناوری است. شرایط مداخله‌گر از دو مقوله اراده سیاستمداران برای مشارکت و تقاضای عمومی برای مشارکت، تشکیل شده است. فاضل، حسینقلی‌زاده و نوغانی‌دخت بهمنی (۱۴۰۰) در بررسی جایگاه مشارکت و ابعاد آن در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، مسیر تحقق مشارکت براساس اسناد فرادستی را این‌طور ارائه کردند که مبانی مشارکت منجر به تولید اصول مشارکت می‌شود. اصول مشارکت تبیین‌کننده الزامات و ضرورت‌های مشارکت و سیاست‌های سوق‌دهنده به سوی مشارکت است. این سیاست‌ها تعیین‌کننده مدل‌های مشارکت و عرصه و عوامل مشارکت خواهند بود. قلی‌پور، فانی، دلبری راغب، امیری، مهر محمدی (۱۳۹۷)، تجلی، ایروانی و چیت‌سازان (۱۴۰۱) معتقدند سیاست‌گذاری مستلزم داشتن الگو و چار-چوب است. «شورای عالی آموزش و پرورش» تجلی سیاست‌گذاری و در ادامه قانون‌گذاری در آموزش و پرورش است که با نهادهای فراقوه‌ای و قوای سه‌گانه خانواده، نهادهای مدنی و بخش خصوصی تعامل دارد و با توجه به آزادی‌های مورد نیاز برای تحقق بخشیدن به توسعه قابلیت‌ها و تبدیل آن‌ها به کارکردها در چارچوب فرهنگ و نظام ارزشی فعالیت می‌کند. جعفری و کریمی (۱۳۹۶) یادآور شدند که سازمان‌های آموزشی همانند سایر سازمان‌ها، دارای اهداف، ساختار، فرایند سیاست‌گذاری، برنامه، منابع انسانی و است. سازمان‌های آموزشی به دلیل ویژگی ذاتی خود، براساس رشد فزاینده اطلاعات و ارتباطات، با چالش-

1. Sanders.
2. Fitzgerald.

هایی مواجه هستند که جهت مواجهه بهینه با این چالش‌ها، سیاست‌گذاری آموزشی با تأکید بر مقوله آینده‌نگری و آینده‌پژوهی نیازمند است. قدسی، بلال و لطیفی پاک (۱۳۹۶) دریافتند که سطح مشارکت اولیا در مدارس هیئت‌امنایی نسبت به مدارس معمولی بیشتر است. بارزترین تفاوت میان مدارس هیئت‌امنایی با سایر مدارس، در شیوه اداره و مدیریت این مدارس است. به نظر می‌رسد که به دلیل شیوه اتخاذ تصمیمات در این مدارس که گروهی است، تصمیمات منعطف و خالی از یک‌جانبه‌نگری است؛ شاید به این دلیل که اولیا در ابراز نظرات، اختیارات بیشتری دارند و رأی و نظر آن‌ها بیشتر مورد اقبال قرار می‌گیرد و همین امر عاملی برای افزایش میزان مشارکت‌شان شده است. عاشقی و بیگی (۱۳۹۴) در طراحی سیاست‌گذار آموزشی لازم است، سیاست‌گذاری در سه سطح بین‌المللی، ملی و نظام آموزشی مد نظر قرار گیرد. چرخه سیاست‌گذاری ملی می‌بایست براساس آرمان‌های نظام سیاسی طراحی شود. سیاست‌گذاری در سطح نظام آموزشی را باید در چارچوب یک الگوی سیستمی (درون‌داد، فرایند و برون‌داد) که تعامل چندجانبه با سطوح و لایه‌های سیاست‌گذاری، زمینه نظام آموزشی و آرمان‌های نظام سیاسی و آموزشی دارند، انجام داد. لوپاز و فرناندز^۱ (۲۰۱۷) یادآور شدند که از درون‌دادهای لازم برای عرصه سیاست‌گذاری آموزشی، استفاده از والدین و مشارکت آنان در فرایند سیاست‌گذاری است؛ چراکه والدین از منابعی هستند که بیشترین شناخت را از دانش‌آموزان دارند و منبعی غنی از اطلاعاتند که می‌تواند مورد استفاده سیاست‌گذاران قرار گیرد. فیتزجرالد (۲۰۰۴) یادآور شد، عالی‌ترین مشارکت خانواده در نظام تربیت رسمی و عمومی را در الگوی مشارکتی باید جستجو کرد و یادآور شد که در این الگو، خانواده‌ها مشارکت فعال در دو عرصه سیاست‌گذاری و اجرا خواهند داشت. به اعتقاد وی مشارکت در اجرا از نوع مشارکت انفعالی است. فابیانو و پیل^۲ (۲۰۱۹) یادآور شدند که خانواده، عامل اساسی برون‌سازمانی و معلمان، عامل درون-سازمانی، نقشی قابل توجه در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ایفا می‌کنند؛ همچنین هندرسون و مپ^۳ (۲۰۰۷) یادآور شدند که برای جلب مشارکت خانواده در نظام تربیت رسمی و عمومی، لازم است در درجه نخست فضایی از حمایت ایجاد شود تا خانواده‌ها

1. Lopaz & Fernandez.
2. Fabiano, & Pyle.
3. Henderson & Map.

احساس کنند که حضورشان در فرایند سیاست‌گذاری لازم و ضروری است. از الزامات و پیش‌نیازهای تهیه چنین محیطی، وجود رهبران دلسوز است که بتوانند چنین محیطی را فراهم نمایند.

روش پژوهش

این پژوهش با توجه به هدف آن، پژوهشی کاربردی است؛ زیرا می‌تواند برای دستیابی به داده‌هایی درباره آینده، مشارکت خانواده در سیاست‌گذاری تربیتی مفید واقع شود. از آنجاکه این پژوهش به دنبال کشف تسهیل‌گرهای مؤثر بر آینده حوزه مشارکت خانواده در سیاست‌گذاری تربیتی است، اکتشافی است. برای دستیابی اهداف پژوهش از مصاحبه نیمه-ساختاریافته با کارشناسان استفاده شد. معیار انتخاب کارشناسان برای مصاحبه برخوردار از حداقل مدرک کارشناسی ارشد، تجربه در حوزه مدیریت، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در زمینه انجمن اولیا و مربیان، علاقه‌مندی به شرکت در مطالعه، تأهل، شناخت کافی از حوزه نقش خانواده در سیاست‌گذاری‌های تربیتی و همچنین توانایی تصور و تأمل در آینده این حوزه بود که براساس معیارهای فوق‌الذکر به‌طور هدفمند، براساس روش گلوله برفی، انتخاب شدند. داشتن حداقل تنوع در نمونه‌گیری از راه‌های افزایش اعتبار داده‌ها است که سعی شد این موضوع مورد توجه قرار گیرد. میانگین زمانی مصاحبه حضوری از ۶۰ دقیقه تا ۹۰ دقیقه بود. بعد از ۱۵ مصاحبه با کارشناسان (۵ نفر هیئت علمی و ۱۰ نفر کارشناس)، اشباع نظری حاصل شد.

در روش مصاحبه با کسب اجازه از مصاحبه‌شوندگان، مصاحبه‌ها ضبط و پس از انجام مصاحبه، به‌منظور تحلیل داده‌ها برگردان و هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شد. پس از دسته‌بندی و کدگذاری داده‌های حاصل از مصاحبه، کدهای استخراج شده برای مصاحبه‌شونده‌گان ارسال و نظرات آن‌ها دریافت شد. جهت آشنایی با داده‌ها و غرق شدن داده‌ها، متن مصاحبه‌ها بارها بازخوانی شد؛ بدین ترتیب کدهای اولیه شناسایی و کدهای مشابه در یک طبقه کنار هم قرار گرفتند؛ از این رو کدها و طبقات فرعی از بررسی مصاحبه‌های اولیه شکل گرفت و سپس کاهش داده‌ها در همه واحدهای تحلیل (کدها) ادامه یافت تا درون‌مایه‌ها ظهور یافتند. همین‌طور جهت اطمینان از صحت داده‌های جمع‌آوری شده، از دو نفر از مشارکت‌کنندگان که در پژوهش مشارکت داشتند و درگیری

طولانی‌مدت با داده‌ها داشتند، جهت واریسی کدگذاری‌های انجام‌شده و خوشه‌بندی کد-گذاری‌ها کمک گرفته شد.

در مرحله بعد، جهت دستیابی به اجماع مشارکت‌کنندگان پیرامون تسهیل‌گرهای شناسایی‌شده، از روش دلفی استفاده شد. روش دلفی روشی جهت دستیابی به اجماع صاحب‌نظران بر روی مسئله خاص است که از آن می‌توان برای دستیابی به بهترین گزینه محتمل استفاده کرد (Keenan, 2003). روش دلفی برای پیش‌بینی و کمک به تصمیم‌گیری با استفاده از داده‌های پیمایشی در راندهای مختلف است؛ از این رو در این مطالعه، براساس یافته‌های حاصل از مصاحبه، پرسش‌نامه‌ای الکترونیکی با طیف لیکرتی ۵ گزینه‌ای (از خیلی کم تا خیلی زیاد) تدوین شد که روایی آن به صورت محتوایی، با توجه به ارتباط پرسش‌ها با ادبیات موضوع و یافته‌های حاصله از مصاحبه و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۰) و معناداری در سطح ۰/۰۵ برای تمامی پرسش‌ها مورد تأیید قرار گرفت. پس از تأیید ملاک‌های روان‌سنجی، پرسشنامه نهایی و برای اعضای گروه مصاحبه-شوندگان (پنل) فرستاده شد و از آن‌ها خواسته شد که به پرسش‌های مطرح‌شده پاسخ دهند. پس از پاسخ به پرسش‌ها، گویه‌های «زیاد» و «خیلی زیاد» استخراج و به شرکت‌کنندگان بازپس داده شد و از آن‌ها خواسته شد که در صورت موافقت با رأی اکثریت، مجدداً اعلام نظر نمایند که در نهایت کارشناسان تسهیل‌گر وجود ۲۹ مقوله را تأیید کردند.

یافته‌های پژوهش

جهت آگاهی از دیدگاه کارشناسان پیرامون مشارکت خانواده در سیاست‌گذاری تربیتی، داده‌های حاصل از مصاحبه با کارشناسان در جدول ۲، آمده است. براساس مصاحبه‌های به عمل آمده، تسهیل‌گرهای مشارکت خانواده در سیاست‌گذاری تربیتی به رهای حاکمیتی، اجتماعی، قانون‌گذاری، ساختاری و آموزشی تقسیم شده‌اند که به اختصار در جدول‌های ۲ تا ۸ بررسی شده است.

تسهیل‌گرهای حاکمیتی

تسهیل‌گرهای حاکمیتی از تسهیل‌گرهای احصاشده است. دیدگاه‌های ارائه‌شده در این زمینه در جدول (۲) گزارش شده است.

جدول ۲. دیدگاه کارشناسان پیرامون تسهیل گرهای حاکمیتی (سیاسی) مشارکت خانواده در سیاست گذاری تربیتی

ابعاد	مؤلفه	شاخص ها
	باورمندی نظام حکمرانی	توجه به نقش خانواده در سیاست گذاری های نظام آموزشی در نقشه جامع علمی- فرهنگی.
تسهیل-گرهای حاکمیتی	سیاست گذاری به نقش خانواده	باور فراقوه ها، از جمله مجمع تشخیص مصلحت نظام، به نقش آفرینی خانواده در فرآیند تربیتی.
	باورمندی نظام حکمرانی	باور قانون گذاران نظام به نقش آفرینی خانواده در فرآیند تربیتی.
	تربیتی به نقش خانواده	باورمندی عواملان (سیاست گذاران تربیتی، برنامه ریزان و مجریان) به نقش خانواده در سیاست گذاری های تربیتی.
	استفاده از ظرفیت های نهادهای فراقوه ای	باورمندی نهادهای تربیتی (نهاد فرهنگ، مساجد، حوزه های علمیه) به نقش خانواده در سیاست گذاری های تربیتی.
	حمایت نهادهای فرهنگی فرادستگاهی از نقش خانواده در سیاست گذاری های تربیتی.	باورمندی رسانه به نقش خانواده در سیاست گذاری های تربیتی.
	تعیین سیاست هایی برای شنیدن صدای خانواده در تعیین خط مشی ها و تصمیم گیری های کلان.	حمایت نهادهای فرهنگی فرادستگاهی از نقش خانواده در سیاست گذاری های تربیتی.
	مشروعیت دادن نهادهای فراقوه به مشارکت خانواده در سیاست گذاری های تربیتی.	تعیین سیاست هایی برای شنیدن صدای خانواده در تعیین خط مشی ها و تصمیم گیری های کلان.

تحلیل دیدگاه های حاصله، حاکی از آن است که مشارکت خانواده در سیاست گذاری تربیتی را باید در نگاه کلان نظام حاکمیتی جستجو کرد. مشارکت خانواده در سیاست-گذاری های تربیتی به عزم ملی، باورمندی عواملان تربیت، استفاده از ظرفیت های نهادهای فراقوه ای نیازمند است؛ چراکه این ظرفیت های فراقوه ای به شنیده شدن صدای ذینفعان، از-جمله خانواده ها در فرآیند تصمیم گیری، مشروعیت می بخشد.

تسهیل گرهای اجتماعی

از دیگر تسهیل گرهای مؤثر در این زمینه، تسهیل گرهای اجتماعی است. دیدگاه کارشناسان در این زمینه در جدول زیر منعکس شده است.

جدول ۳. دیدگاه کارشناسان پیرامون تسهیل‌گرهای اجتماعی مشارکت خانواده در سیاست‌گذاری تربیتی

ابعاد	مؤلفه	شاخص‌ها
گفتمان‌سازی		نشست‌های نخبگانی پیرامون حضور نهاد خانواده در سیاست‌گذاری کلان نظام آموزشی در سطوح صف و ستاد.
		اقناع عاملان تربیت به نقش خانواده در سیاست‌گذاری‌های تربیتی.
		توجیه افکار عمومی برای پذیرش نقش خانواده در سیاست‌گذاری‌های تربیتی.
تسهیل - گرهای اجتماعی		فراهم‌سازی زمینه جهت کنشگری خانواده در تعیین اهداف نظام تربیتی.
		ایجاد مفاهمهٔ سیاستی نخبگانی پیرامون حضور خانواده در سیاست‌های تربیتی.
تسهیل - گرهای اجتماعی		شفافیت و گردش اطلاعاتی جهت جلب اعتماد خانواده.
		هم‌زبانی بین دستگاه‌های ناظر بر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و اجرا.
		برگزاری جلسات مشترک بین دستگاه‌های ناظر بر حوزهٔ سیاست‌گذاری و حوزهٔ برنامه‌ریزی و اجرا.
تسهیل - گرهای اجتماعی		به اشتراک گذاشتن فعالیت‌های انجام‌شده به‌دست متولیان حوزهٔ سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا.
		هم‌زبانی بین خانواده با عوامل سهیم و مؤثر در امر تربیت (رسانه، مساجد، نهادهای غیردولتی و...) و سیاست‌گذاری تربیتی.
تسهیل - گرهای اجتماعی		برقراری همسویی بین اهداف تربیتی خانواده و نهادهای تربیتی.
		به اشتراک گذاشتن فعالیت‌های رسانه، مساجد، نهادهای غیردولتی با نهاد خانواده.
تسهیل - گرهای اجتماعی		ایجاد فرهنگ شفافیت و صداقت در ارتباط با مشارکت خانواده در سیاست‌گذاری تربیتی.
		برجسته نمودن ارزش‌های مشترک میان خانواده و مدرسه در سیاست‌گذاری‌های تربیتی.
تسهیل - گرهای اجتماعی		فراهم نمودن محیط تربیتی سالم جهت جلب اعتماد خانواده‌ها به مدرسه.

تحلیل داده‌های حاصل از جدول فوق حاکی از آن است که از دیگر تسهیل‌گرهای احصاشده، تسهیل‌گرهای اجتماعی است. گفتمان‌سازی، برقراری تعاملات درون‌دستگاهی و بین‌دستگاهی و توجه به سرمایه اجتماعی خانواده در این زمینه، نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای

بر عهده دارد. شایان ذکر است، لازمه گفتمان‌سازی، توجه به سرمایه اجتماعی خانواده و برقراری تعاملات درون‌دستگاهی و برون‌دستگاهی، ایجاد محیط و فضایی امن و آزاد برای نقد منصفانه سیاست‌گذاری‌های تربیتی موجود و فراهم‌ساختن زمینه نظروزرزی و آینده‌نگری در این زمینه است.

تسهیل‌گرهای قانونی

تسهیل‌گر مؤثر دیگر، تسهیل‌گرهای قانونی است. دیدگاه کارشناسان در این زمینه در جدول زیر منعکس شده است.

جدول ۴. دیدگاه کارشناسان پیرامون تسهیل‌گرهای قانون‌گذاری مشارکت خانواده در سیاست‌گذاری تربیتی

ابعاد	مؤلفه	شاخص‌ها
تسهیل‌گرهای قانونی	آسیب‌شناسی قوانین و مقررات	واکاوی نظارتی و قانون‌گذاری خط‌مشی‌های پیشین خط‌مشی‌گذاری.
	مشارکت خانواده	احصاء نقاط ضعف سیاست‌گذاری‌های تربیتی پیشین. احصاء نقاط قوت سیاست‌گذاری‌های تربیتی پیشین.
تسهیل‌گرهای قانونی	تدوین و تصویب قوانین حمایتی و نظارتی مشارکت	تدوین قوانین و مقررات مدون برای جلب مشارکت خانواده در تعیین اهداف کلان نظام آموزشی. تعیین قوانین و مقررات برای جلب مشارکت خانواده در تعیین سیاست‌گذاری‌های تربیتی.
		تصویب قوانین جهت تعیین سهم و حدود مسئولیت خانواده در سیاست‌گذاری‌های تربیتی.
		تدوین و تصویب قوانین جهت نظارت بر اجرای قوانین وضع‌شده.

تحلیل دیدگاه کارشناسان، حاکی از آن است که مشارکت خانواده در سیاست‌گذاری‌های تربیتی با توجه به جایگاه خانواده و انجمن اولیاء و مربیان و احصاء ضعف‌ها و قوت‌ها، نخست به آسیب‌شناسی وضع موجود و به دنبال آن به بازنگری در قوانین و به‌روزرسانی قوانین مشارکت، پیرامون سهم و حدود خانواده در سیاست‌گذاری تربیتی و نظارت بر اجرای قوانین، وابسته است.

تسهیل‌گرهای ساختاری

از دیگر تسهیل‌گرهای مؤثر، تسهیل‌گرهای ساختاری است. دیدگاه کارشناسان در این زمینه

در جدول زیر منعکس شده است.

جدول ۵. دیدگاه کارشناسان پیرامون تسهیل‌گرهای ساختاری مشارکت خانواده در سیاست‌گذاری تربیتی

ابعاد	مؤلفه	شاخص‌ها
تسهیل‌گر- های ساختاری	بازاندیشی در ساختار و مأموریت‌های انجمن	زمینه‌سازی برای تمرکززدایی در امر تربیت. بازتعریف (به‌روزرسانی) نقش انجمن در تعیین اهداف، خط‌مشی و سیاست‌ها، روش‌های اجرایی.
	اولیاءومربیان انجمن	بازتعریف (به‌روزرسانی) نقش انجمن در تأمین منابع مالی برای مدارس. بازتعریف (به‌روزرسانی) نقش انجمن در فرایند طراحی و تدوین برنامه‌ریزی درسی.
	فعال کردن ظرفیت خانواده مدیریت مدرسه	بازتعریف (به‌روزرسانی) نقش انجمن در فرایند جذب، تأمین و تربیت نیروی انسانی. بازتعریف (به‌روزرسانی) نقش انجمن در تعیین روش‌های اجرایی مدرسه. واگذاری اختیارات به مدارس با هدف فعال‌سازی ظرفیت‌های بالقوه در دسترس، از جمله خانواده. بازاندیشی در توزیع مجدد وظایف در میان اعضای مدرسه و خانواده. واگذاری قانونی نقش‌های تربیتی به خانواده با قبول مسئولیت و پاسخگویی

تحلیل دیدگاه کارشناسان حاکی از آن است که مشارکت خانواده در سیاست‌گذاری‌های تربیتی به بازنگری در ساختار انجمن اولیاءومربیان، فعال‌سازی ظرفیت خانواده در مدیریت مدرسه و بازاندیشی در مأموریت‌های انجمن اولیاءومربیان وابسته است؛ چراکه در حال حاضر، با توجه به تکالیفی که اسناد تحولی آموزش و پرورش، از جمله مبانی نظری (۱۳۹۰) و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) برای انجمن تعیین کرده‌اند، با کارکرد انجمن فاصله دارد؛ از این رو، برای همسویی میان انتظارات اسناد از انجمن و خانواده و مأموریت‌های انجمن بازنگری اساسی، در این زمینه، پیشنهاد می‌شود؛ چراکه تغییر و تحولات حاکم بر نظام‌های اجتماعی و سیاسی، آموزشی و سیاست‌گذاری، مستلزم به‌روز شدن دائم سیاست‌ها و به‌کارگیری الگوهای جدید و نوآورانه به منظور پاسخگویی به نیازها است.

تسهیل‌گرهای آموزشی

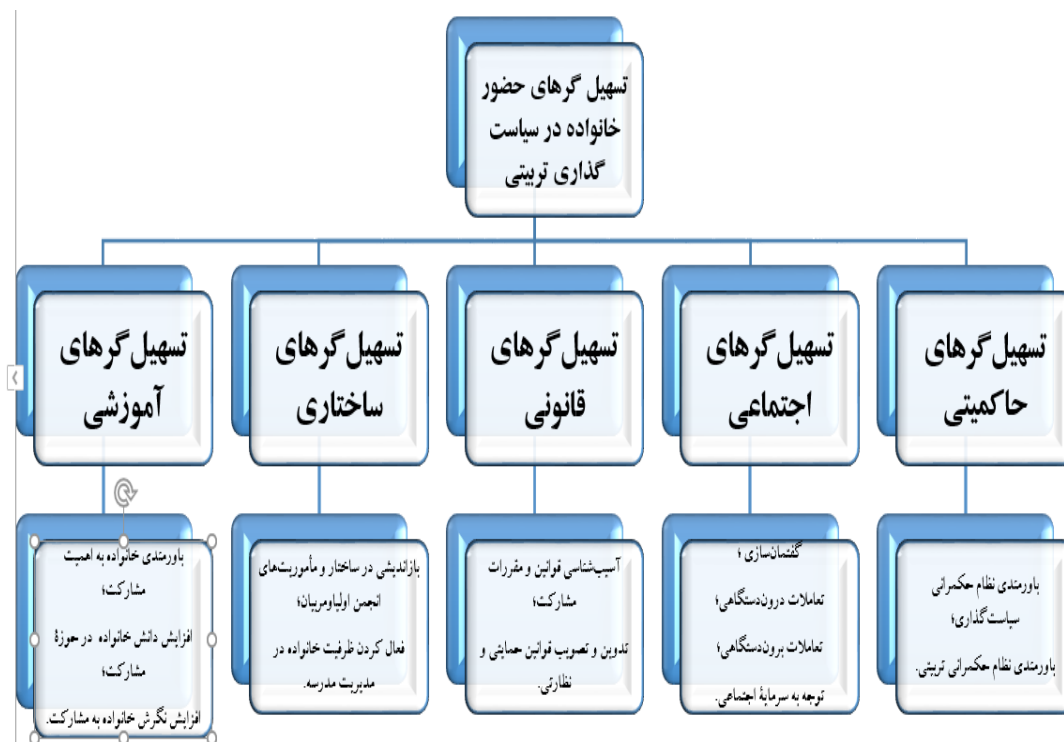
تسهیل‌گرهای آموزشی یکی دیگر از تسهیل‌گرهای مشارکت خانواده در سیاست‌گذاری

تربیتی است. دیدگاه کارشناسان در این زمینه در جدول (۶) منعکس شده است.

جدول ۶. دیدگاه کارشناسان پیرامون تسهیل گرهای آموزشی مشارکت خانواده در سیاست گذاری تربیتی

ابعاد	مؤلفه	شاخص ها
		ایجاد انگیزه در خانواده برای ورود به عرصه سیاست گذاری آموزشی.
تسهیل گر آموزشی	ایجاد باور در خانواده نسبت به اهمیت	اطلاعات آموزشی (کمیت و کیفیت آموزشی) دقیق را در اختیار خانواده ها قرار دادن.
	به مشارکت	اعتماد خانواده ها را به حضور و مشارکت در تصمیم گیری های تربیتی جلب کردن.
	افزایش دانش خانواده	افزایش دانش خانواده نسبت به نهاد سیاست گذاری.
	افزایش دانش خانواده	افزایش دانش خانواده نسبت به فرایند سیاست گذاری.
	حوزه مشارکت	افزایش دانش خانواده به قوانین مشارکت در تعیین خط مشی ها و تصمیمات تربیتی.
	افزایش نگرش	افزایش نگرش اجتماعی خانواده ها به اهمیت مشارکت در تعیین خط مشی ها و تصمیمات تربیتی.
	به خانواده مشارکت	افزایش نگرش خانواده ها به مشارکت در حل مسائل آموزشی و پرورشی مدارس.

تحلیل داده های حاصل از جدول فوق حاکی نشان می دهد که از تسهیل گرهای مشارکت خانواده در سیاست گذاری های تربیتی آموزش و توانمندسازی خانواده ها با استفاده از ایجاد باور به مشارکت در خانواده، افزایش دانش و نگرش خانواده ها به حضور خود در فرایند سیاست گذاری است. شایان ذکر است آنچه ضامن تصمیم و اقدام درست در حوزه مشارکت است، داشتن اطلاعات و دانش لازم و به دنبال آن باورمندی و در نهایت، توانمندی به مشارکت است که نقش اساسی در درگیری خانواده ها در امر مشارکت را ایجاد می کند. چارچوب مفهومی تسهیل گرهای احصاء شده در نمودار شماره (۱) به تصویر کشیده شده است.



نمودار ۱. چارچوب مفهومی تسهیل‌گرهای احصاشده مشارکت خانواده در سیاست‌گذاری تربیتی

برای آگاهی از درصد اجماع نظر کارشناسان، پیرامون مقوله‌های احصاشده، پرسشنامه- ای الکترونیکی، براساس یافته‌های جدول‌های (۲) تا (۷)، تدوین و در اختیار کارشناسان قرار داده شد و از آنان خواسته شد که پیرامون تک‌تک گویه‌ها در مقیاس‌های لیکرتی ۵- درجه‌ای از «خیلی کم» تا «خیلی زیاد»، اظهارنظر کنند. بعداز اظهارنظر کارشناسان، پاسخ‌ها استخراج و گویه‌هایی که پاسخ‌دهندگان گزینه «زیاد» و «خیلی زیاد» را انتخاب کرده بودند مجدداً در مرحله دوم در اختیار کارشناسان قرار داده شد و از آن‌ها خواسته شد که درصورت موافقت مجدد، رأی اکثریت را مورد تأیید قرار دهند. شایان ذکر است که بر- اساس پرسش‌هایی که میزان توافق در آن‌ها بالا نبود، یعنی در دامنه «خیلی کم» تا «متوسط» قرار داشتند، ویرایش‌هایی انجام شد؛ به این معنی که بعضی پرسش‌ها در هم ادغام شدند، بخشی از پرسش‌ها از خوشه‌ای به خوشه دیگر جابه‌جا شدند و بعدازاین ویرایش‌ها، تعداد

تسهیل‌گرهای احصاشده از ۳۷ عدد به ۲۹ عدد تقلیل یافت. براین اساس، درصد اجماع میان کارشناسان پیرامون تسهیل‌گرها در جدول (۸) گزارش شده است.

جدول ۲. درصد اجماع نظر کارشناسان با تأثیر زیاد و خیلی زیاد

ردیف	خوشه	تسهیل‌گرها	درصد اجماع
۱		حمایت نهادهای فرهنگی فرادستگاهی از نقش خانواده در سیاست‌گذاری‌های تربیتی.	۰/۹۴
۲		مشروعیت دادن نهادهای فراقوه به مشارکت خانواده در سیاست‌گذاری‌های تربیتی.	۰/۹۳
۳	حاکمیتی	تعیین سیاست‌هایی برای شنیدن صدای خانواده در تعیین خط-مشی‌ها و تصمیم‌گیری‌های کلان.	۰/۹۵
۴		باورمندی عاملان و نهادهای تربیتی به نقش خانواده در سیاست‌گذاری‌های تربیتی.	۰/۹۸
۵		ایجاد هم‌زبانی بین سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزشی در حوزه خانواده.	۰/۹۰
۱	اجتماعی	نشست‌های نخبگانی پیرامون حضور نهاد خانواده در سیاست-گذاری کلان نظام آموزشی در سطوح صف و ستاد.	۰/۸۸
۲		اقناع عاملان تربیت به نقش خانواده در سیاست‌گذاری‌های تربیتی.	۰/۹۵
۳		توجیه افکار عمومی برای پذیرش نقش خانواده در سیاست-گذاری‌های تربیتی.	۰/۸۹
۴		فراهم‌سازی زمینه جهت کنشگری خانواده در تعیین اهداف نظام تربیتی.	۰/۹۷
۵		تعامل بین خانواده با عوامل سهیم و مؤثر در امر تربیت (رسانه، مساجد، نهادهای غیردولتی و...) و سیاست‌گذاری تربیتی.	۰/۹۱
۶		برقراری همسویی بین اهداف تربیتی مدرسه و خانواده.	۰/۸۸
۷		ایجاد فرهنگ شفافیت و صداقت در ارتباط با مشارکت خانواده. در سیاست‌گذاری تربیتی.	۰/۹۱
۸		برجسته نمودن ارزش‌های مشترک میان خانواده و مدرسه در سیاست‌گذاری‌های تربیتی.	۰/۷۸
۹		فراهم نمودن محیط تربیتی سالم جهت جلب اعتماد خانواده‌ها به	۰/۹۴

واکاوی تسهیل‌گرهای مشارکت خانواده در ... معصومه صمدی ۱۴۷

ردیف	خوشه	تسهیل‌گرها	درصد اجماع
		مدرسه.	
۱	قانونی	تدوین قوانین و مقررات برای جلب مشارکت خانواده در تعیین سیاست‌گذاری‌های تربیتی.	۰/۹۵
۲		تصویب قوانین جهت تعیین سهم و حدود مسئولیت خانواده در سیاست‌گذاری‌های تربیتی.	۰/۹۰
۳		تصویب قانون جهت نظارت بر اجرای قوانین وضع‌شده.	۰/۹۰
۱	ساختاری	زمینه‌سازی برای تمرکززدایی در امر تربیت.	۰/۸۹
۲		بازتعریف (به‌روزرسانی) نقش انجمن در تعیین اهداف، خط‌مشی و سیاست‌ها و روش‌ها.	۰/۹۰
۳		بازتعریف (به‌روزرسانی) نقش انجمن در تأمین منابع مالی برای مدارس.	۰/۸۹
۴		بازتعریف (به‌روزرسانی) نقش انجمن در فرایند طراحی و تدوین برنامه‌ریزی درسی.	۰/۸۹
۵		بازتعریف (به‌روزرسانی) نقش انجمن در فرایند جذب، تأمین و تربیت نیروی انسانی.	۰/۸۰
۶		بازتعریف (به‌روزرسانی) نقش انجمن در تعیین روش‌های اجرایی مدرسه.	۰/۸۷
۷		بازاندیشی در توزیع مجدد وظایف در میان اعضای مدرسه و خانواده با قبول مسئولیت و پاسخگویی.	۰/۷۸
۱	آموزشی	ایجاد انگیزه در خانواده جهت ورود به عرصه سیاست‌گذاری آموزشی.	۰/۹۵
۲		اطلاعات آموزشی (کمیت و کیفیت آموزشی) دقیق را در اختیار خانواده‌ها قرار دادن.	۰/۹۱
۳		اعتماد خانواده‌ها را به حضور و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های تربیتی جلب کردن.	۰/۹۰
۴		افزایش دانش خانواده نسبت به نهاد سیاست‌گذاری.	۰/۹۱
۵		افزایش دانش خانواده به قوانین مشارکت در تعیین خط‌مشی‌ها و تصمیمات تربیتی.	۰/۹۳
۶		افزایش نگرش خانواده‌ها نسبت به مشارکت در حل مسائل	۰/۹۱

ردیف	خوشه	تسهیل‌گرها	درصد اجماع
------	------	------------	------------

آموزشی و پرورشی مدارس.

یافته‌های حاصل از جدول (۸) نشان می‌دهد که در خوشه حاکمیتی، بیشترین توافق مربوط به باورمندی عاملان و نهادهای تربیتی به نقش خانواده در سیاست‌گذاری تربیتی است؛ در بخش اجتماعی، بیشترین توافق مربوط به اقتناع عاملان تربیت به نقش و حضور خانواده در سیاست‌گذاری‌های تربیتی است؛ در بخش قانونی بیشترین توافق مربوط به وجود قوانین حمایت‌کننده از حضور خانواده در سیاست‌گذاری‌های تربیتی است و در بخش ساختاری، بیشترین توافق مربوط به بازتعریف نقش انجمن اولیاومریان در تعیین اهداف و خط‌مشی‌های تربیتی است و در نهایت در بخش آموزش، بیشترین میزان توافق مربوط به ایجاد انگیزه در خانواده‌ها، آماده نمودن آنان و به‌عبارتی، توانمند نمودن آنان جهت حضور در عرصه سیاست‌گذاری تربیتی است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این مطالعه، بررسی دیدگاه کارشناسان پیرامون تسهیل‌گرهای مشارکت خانواده در حوزه سیاست‌گذاری تربیتی است. این مطالعه با استفاده از روش پژوهش کیفی و ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شده است. قبل از هرچیز در توضیحی پیرامون تسهیل‌گرهای احصاشده، شایان ذکر است که تسهیل‌گرهای احصاشده صرفاً به روابط و فرایندهای رسمی دولت، قوانین تأثیرگذار و ساختارهای حاکم بر آنها محدود نمی‌شود، بلکه درک زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در این زمینه، بسیار مهم و کلیدی است. از این رو تسهیل‌گرهای احصاشده عبارتند از: تسهیل‌گرهای حاکمیتی، اجتماعی، قانون‌گذاری، ساختاری و آموزشی.

موضوع تسهیل‌گرهای حاکمیتی وجود عزم و باور ملی است؛ یعنی نظام حاکمیتی باید مشارکت خانواده را در سیاست‌گذاری‌های تربیتی باور داشته باشد. اگر این باور وجود داشته باشد، تمهیدات لازم برای حضور فعال خانواده در تعیین خط و مشی‌های تربیتی از طریق استفاده از ظرفیت‌های نهادهای فراقوه‌ای فراهم می‌شود. وجود این ظرفیت‌ها است که نهاد حاکمیت را پیشران مشارکت خانواده در سیاست‌گذاری تربیتی، مورد توجه قرار می‌دهد. این یافته همسو با قربانزاده و دیگران (۱۴۰۰)، حیدری (۱۳۹۹)، اسناد تحولی

آموزش و پرورش، از قبیل مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) است؛ در واقع مشارکت دادن خانواده در جایگاه یکی از عوامل سهیم و مؤثر در امر سیاست‌گذاری‌های تربیتی، اقدامی ملی است و اجرایی کردن این موضوع باور نهاد حاکمیتی (اراده سیاست‌مداران) را طالب است.

دیگر تسهیل‌گرهای مؤثر در این زمینه، تسهیل‌گرهای «اجتماعی» است که برای مشارکت خانواده در سیاست‌گذاری تربیتی به بسترهای اجتماعی نیازمند است. متن و بسترهای اجتماعی زمینه را برای گفتمان‌سازی، برقراری تعاملات درون و برون‌دستگاهی، ایجاد انگیزه و تقویت یا تضعیف سرمایه اجتماعی فراهم می‌نمایند. پذیرش نخبگانی، اقناع عمومی، اقناع عاملان تربیت، فراهم‌سازی زمینه برای کنشگری اجتماعی خانواده و جلب اعتماد خانواده به مشارکت در سیاست‌گذاری تربیتی، ظرفیت‌های خوبی برای توسعه و گسترش مشارکت خانواده در سیاست‌گذاری‌های تربیتی است. پذیرش اجتماعی مشارکت خانواده در تعیین سیاست‌های کلان تربیتی، سبب می‌شود که خانواده افزون بر کنش‌گری، در حوزه مسائل کلان نظام آموزشی نیز نقش‌آفرین باشد.

این یافته همسو با تقی‌پور و دیگران (۱۴۰۱)، قربانی‌زاده و دیگران (۱۴۰۰)، ابراهیمی کیاسری و دیگران (۱۴۰۲) و حیدری (۱۳۹۹) است. این پژوهشگران فضای باز اجتماعی-سیاسی را در مقام بستر و اعتماد اجتماعی، تکیه‌گاه دولت‌ها و انرژی اولیه جوامع برای آغاز مشارکت والدین دانستند و یادآور شدند که لازم است کشش اجتماعی از سوی سیاست‌گذاران ایجاد و براساس این ظرفیت، سیاست‌گذاری‌های بعدی شکل گیرد. همچنین برنامه‌های توانمندسازی خانواده‌ها نیز از این رهگذر، بهتر می‌تواند قابل‌حصول باشد.

دیگر تسهیل‌گرهای مهم در این زمینه، تسهیل‌گرهای «قانون‌گذاری» است. تسهیل‌گرهای قانون‌گذاری زمینه را برای اجرا مهیا می‌کنند. مشارکت خانواده در سیاست‌گذاری تربیتی زمانی در عمل به وقوع می‌پیوندد که مجرای قانونی داشته باشد و قوانین و مقررات کلان زمینه را برای حضور فعال خانواده در تعیین خط‌مشی‌ها و سیاست‌های کلان تربیتی هموار نماید. اگر ایده‌های مشارکت خانواده در سیاست‌گذاری تربیتی به قوانین و مقررات تبدیل نشود، از ضمانت اجرایی برخوردار نخواهد بود. از طریق تدوین و تصویب قوانین و

مقررات در این زمینه (مشارکت خانواده در سیاست گذاری تربیتی) است که می توان به باز-تعریف نقش انجمن اولیاومربیان در تصمیم گیری های کلان تربیتی، امیدوار بود. این یافته همسو با ابراهیمی کیاسری و دیگران (۱۴۰۲) و فدایی و دیگران (۱۴۰۱) است. این پژوهشگران در مطالعه خود، یادآور شدند، قوانین جامعه در سطوح مختلف از قانون اساسی تا رویه های اداری، شاکله مشارکت مورد توافق را در سطوح مختلف، ارائه می دهد. این الزامات قانونی است که جای خانواده را در امور دولتی باز می کند؛ چراکه ساختار بوروکراتیک سلسله مراتبی تمایل چندانی به مشارکت شهروندان، از جمله خانواده ها در امور مختلف، چون سیاست گذاری تربیتی، از خود نشان نمی دهد؛ بنابراین پیشنهاد می شود، حمایت قانونی از فعالیت های مشارکتی و مردم سالارانه، سرلوحه قانون گذاری قرار گیرد. مشروعیت نظام های مشارکتی در گرو حمایت های قانونی است.

دیگر تسهیل گر موجود در این زمینه، تسهیل گرهای «ساختاری» است. بازنگری ساختارها و تشکیلات ساختاری از الزامات نقش آفرینی خانواده در حوزه سیاست گذاری تربیتی است. ساختار متمرکز نظام تعلیم و تربیت که تصمیمات و سیاست ها از بالا به پایین ابلاغ می شود، از ظرفیت لازم برای مشارکت دادن خانواده در تصمیم گیری های تربیتی برخوردار نیست. لازم است ساختارها را منعطف طراحی نمود تا بتواند از حضور عوامل سهیم و مؤثر در امر تربیت، به ویژه خانواده، بیشترین استفاده را ببرد. این یافته همسو با حیدری (۱۳۹۹) و فدایی و دیگران (۱۴۰۱) است که یادآور شدند تمرکزگرایی و تصمیم سازی نهادهای حکومتی، امکان مشارکت فعالانه از ذینفعان را سلب می کند.

در کنار تسهیل های ذکر شده از نقش تسهیل گری «آموزش» در زمینه مشارکت خانواده در سیاست گذاری تربیتی، نمی توان غافل شد. حضور فعال خانواده در سیاست گذاری، به آموزش نیازمند است. به اعتقاد کامبر^۱ (2003)، ابراهیمی کیاسری و دیگران (۱۴۰۲) و فدایی و دیگران (۱۴۰۱) آموزش، توانمندی را به دنبال خواهد داشت و توانمندی موجب پویایی روند مشارکت خواهد شد. در نهایت توانمندی خانواده سبب می شود، سیاست گذار آموزشی به مشارکت دادن خانواده در تصمیم گیری ها و برنامه ریزی های کلان اعتماد کند؛ بنابراین، خانواده ها برای کسب چنین موقعیتی در نظام آموزشی، باید از توانمندی های لازم

1. Comber M.K.

برخوردار باشند. در چنین شرایطی است که سیاست‌گذار آموزشی نیازمند به حضور خانواده در کنار خود، خواهد بود؛ چراکه حضور خانواده را هم‌افزا می‌داند. در این زمینه، ابراهیمی کیاسری و دیگران (۱۴۰۲) یادآور شدند، لازم است برای فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن باور به داشتن حق فرصت برابر در مشارکت در نظام آموزشی و پرورشی خانواده‌ها، از سوی دستگاه‌های اجرائی دخیل در حوزه مربوطه، آموزش‌های لازم ارائه شود. این مهم، یعنی توانمندسازی خانواده، مورد توجه اسناد تحولی آموزش و پرورش (مبانی نظری سند تحول، ۱۳۹۰، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰) نیز قرار گرفته است.

جمع‌بندی یافته‌های این مطالعه، مبین این حقیقت است که مشارکت خانواده در سیاست‌گذاری تربیتی، چهار وجه دارد. یک وجه آن باور سیاست‌گذاران آموزشی است که حضور خانواده را در تعیین سیاست‌های تربیتی باور داشته باشند؛ وجه دیگر آن این است که خانواده‌ها برای این حضور، تربیت و آموزش‌های لازم را دریافت کرده باشند؛ به گونه‌ای که اثربخش بودن حضور خود در سیاست‌گذاری‌های تربیتی را درک کرده باشند؛ وجه سوم این است که شفافیت اطلاعاتی و گردش اطلاعاتی وجود داشته باشد که خانواده‌ها بتوانند اطلاعات دقیقی از وضعیت آموزش، عملکرد نظام آموزشی و نظام سیاست‌گذاری کسب نمایند و وجه چهارم این است که هر دو نهاد خانواده و تعلیم و تربیت به یکدیگر اعتماد داشته باشند و هر دو بودن در کنار یکدیگر را هم‌افزا بدانند. این چهار وجه در کنار هم، تسهیل‌گر حضور خانواده در فرایند سیاست‌گذاری تربیتی خواهد بود.

از محدودیت‌های این پژوهش این است که وزن هرکدام از تسهیل‌گرهای احصاء شده، مورد مطالعه قرار نگرفت؛ از این رو، پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران علاقه‌مند به این حوزه در مطالعه‌ای مستقل، میزان وزندهی به هرکدام از این تسهیل‌گرها را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهند.

در پایان از کارشناسانی که در احصاء این تسهیل‌گرها کمال همکاری با این پژوهش را داشته‌اند، تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

منابع

- قران کریم. ترجمه الهی قمشه‌ای. چاپ ششم. تهران: انتشارات رشیدی.
نهج‌البلاغه (۱۳۸۰). ترجمه سید جعفر شهیدی. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

اخوان کاظمی، مسعود و ایوب نیکونهاد (۱۳۹۷). "شناسایی و تحلیل پیشران‌های توسعه سیاسی در ایران بعد از انقلاب اسلامی، سناریویی مطلوب برای آینده"، پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۶(۱۴)، ۱۰-۴۱.

ابراهیمی کیاسری، حمیدرضا و سید مهدی الوانی و غلامرضا معمارزاده طهران (۱۴۰۲). "ارزیابی ترکیبی از عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در خط‌مشی‌های نظام آموزشی و پرورشی ایران"، فصلنامه مدیریت دولتی، ۱۵(۲)، ۲۵۷-۲۳۰.

ایمانی، الهه و علیرضا کلدی و باقر ساروخانی (۱۴۰۲). "مؤلفه‌های اثرگذار بر شکاف نسلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم منطقه چهار شهر تهران از منظر والدین"، فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۸(۱)، ۳۶-۷.

تجلی، منیر و شهین ایروانی و علیرضا چیت سازان (۱۴۰۱). "بررسی تاریخی-تحلیلی تحول مشارکت در حکمرانی نهاد آموزش ایران با تأکید بر تمدن اسلامی"، فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۷(۳)، ۳۲-۷.

تقوا، سید مصطفی و کرم‌الله دانش‌فرد و ناصر میرسپاسی (۱۴۰۲). "الگوی مشارکت ذی‌نفعان در شکل‌گیری خط‌مشی‌های گردشگری فرهنگی"، فصلنامه خط‌مشی‌گذاری عمومی در مدیریت، ۱۴(۴۹)، ۱۹-۳۶.

تقوا، محمدرضا و محمدتقی تقوی فرد و ایمان رئیسی وانانی و نورمحمد یعقوبی و حامد کرد (۱۴۰۲). "شناسایی پیشران‌های کیفیت خدمات دولت سیار"، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی، ۱۳(۲)، ۱۰۴-۷۵.

جعفری، عمار و فریبا کریمی (۱۳۹۶). "سیاست‌گذاری حرفه‌ای در نظام آموزشی در هزاره سوم با تأکید بر مبحث آینده‌پژوهی"، نشریه شبک، ۳(۱۰)، ۵۶-۴۵.

حیدری، علیرضا (۱۳۹۹). "کارکردهای سیاست‌گذاری آموزشی در نظام تعلیم و تربیت"، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، ۶(۱)، ۲۸۰-۲۶۱.

داوود آبادی، محسن و حسین بهرامی (۱۳۹۹). "بایسته‌های حکومت اسلامی در سیاست‌گذاری حوزه آموزش، فصلنامه علوم تربیتی در اسلام، ۸(۱۴)، ۲۵۷-۲۴۳.

شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش». تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.

شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). «مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران». تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.

واکاوی تسهیل‌گرهای مشارکت خانواده در ... معصومه صمدی ۱۵۳

- صمدی، معصومه (۱۴۰۰). "تبیین چالش‌های اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر اساس فراترکیب"، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، (۵) ۷، ۳۳۱-۳۴۳.
- صمدی، معصومه (۱۴۰۱). "شناسایی ظرفیت‌های مغفول سیاستی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به روش فراترکیب"، فصلنامه راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، (۴۳) ۱۲، ۸۰-۱۰۷.
- صمدی، معصومه و منیره رضایی (۱۳۹۰). "بررسی نقش تربیتی خانواده در نظام تربیت رسمی و عمومی از دیدگاه علم و دین"، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، (۱۲) ۱۹، ۹۵-۱۱۷.
- عاشقی، حسن و طاهره بیگی (۱۳۹۴). "طراحی مدل مفهومی برای سیاست‌گذاری در نظام آموزشی"، سومین کنفرانس ملی آموزش و توسعه سرمایه انسانی.
- عبداللهی، حسین و عباس عباس‌پور و ابوالقاسم تادری و علی خورسندی طاسکو (۱۴۰۱). "تحلیل سیاست‌های گسترش گونه‌های مدارس در نظام آموزش و پرورش"، مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، (۴۴) ۱۲، ۸۰-۵۱.
- عصاره‌نژاد، سینا و میثم فرخی (۱۳۹۹). "دلالت‌های بنیادین سیاست‌گذاری تربیتی اسلامی برگرفته از قول و سیره رضوی"، فصلنامه علمی فرهنگ رضوی، (۱) ۸، ۲۱۶-۱۹۳.
- فاضل، رقیه و رضوان حسینقلی‌زاده و محسن نوغانی دخت بهمنی (۱۴۰۰). "مطالعه انتقادی الگوهای مشارکت در آموزش و پرورش"، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، (۲) ۸، ۱۵۹-۱۴۷.
- فدایی، محدثه؛ محمود مهرمحمدی و سید رضا صالحی امیری و محمد مهدی ذوالفقار زاده (۱۴۰۱). "طراحی الگوی سیاست‌گذاری تربیتی در آموزش و پرورش با تأکید بر نهاد خانواده"، پژوهشنامه تربیتی، (۴) ۱۸، ۲۴۶-۲۱۱.
- قدسی، علی محمد و اسماعیل بلالی و ندا لطیفی پاک (۱۳۹۶). "بررسی تأثیر عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت اولیا در امور مدارس در همدان"، فصلنامه توسعه اجتماعی، (۱) ۱۲، ۱۰۶-۸۱.
- قربانی‌زاده، وجه الله و رسول معتضدیان و داوود حسین‌پور و عباسعلی رهبر (۱۴۰۰). "طراحی الگوی مشارکت عمومی در خط مشی گذاری با رویکرد چند روشی"، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، (۴۴) ۱۲، ۱۹۰-۱۶۴.
- قلی‌پور، رحمت الله و علی‌اصغر فانی و فاطمه دلبری راغب و مجتبی امیری و محمود مهر محمدی (۱۳۹۷). "طراحی الگوی خط‌مشی‌گذاری در آموزش و پرورش ایران با رویکرد قابلیت". سیاست‌گذاری عمومی، (۳) ۴، ۱۷۶-۱۵۹.

- کیهان، جواد (۱۳۹۹). "طراحی مدل راهبردهای آموزش مذهبی کودکان پیش‌دبستانی در خانواده (پژوهشی آمیخته)"، مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۵(۱)، ۹۲-۶۱.
- گوهری، زهره و لاله جمشیدی و علی اکبر امین بیدختی (۱۳۹۴). "شناسایی موانع مشارکت والدین در امور مدارس مقطع ابتدایی شهر سمنان"، دو فصلنامه مطالعات برنامه ریزی آموزش، ۴(۷)، ۱۶۲-۱۳۳.
- نادری، ناهید و رضاعلی نوروزی و سیدعلی سیادت (۱۳۹۵). «سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش». اصفهان: انتشارات یارمانا.
- نیازآذری، کیومرث و بهرنگ اسماعیلی شاد و مجید ربیعی دولابی (۱۳۹۰). «سیاست‌گذاری و فرایند خط‌مشی عمومی در نظام آموزشی». قائم‌شهر: انتشارات مهرالنبی.
- Becker, H & Epstein, J (1993). Parent Involvement: A Survey of teacher practice. The Elementary school Journal, 83, 85-102.
- Comber M.K. (2003). Civic curriculum and civic skills: recent evidence. Baltimore: center for information and research on civic learning and engagement (CIRCLE).
- Denham, S. A. Ferrier, D. E. & Bassett, H. H. (2020). Preschool teachers 'socialization of emotion knowledge: Considering socioeconomic Risk. Journal of Applied Developmental Psychology, 69(3), 101-160.
- Eisenberg, N. (2020). Findings, issues, and new directions for research on emotion socialization. Developmental Psychology, 56(3), 664-670.
- Epstein, J, L. (2001). School, family and community partnerships: preparing educators and improving schools. Boulder, CO: Westview.
- Epstein, J.L, & Janson, N.R. (2004). school, family, & community partnerships: link the plan. Education Digest, 69(6):19-23.
- Fabiano, G. A., & Pyle, K. (2019). Fathers and Their Role in Family -School Partnerships. In Ethno cultural Diversity and the Home -to - School Link (pp. 37 -54). Springer, Cham.
- Fitzgerald, D (2004), Parent partnership in the early years, London: Continuum.
- Freeman, R & Gilbert, D (1988).
- Henderson. A.T., Mapp, K.L., Johnson, V.R. & Davies D. (2007). Beyond the bake sale: The essential guide to family-school partnerships. New York: London: The New Press.
- Keenan, M. (2003) Technology Foresight: An Introduction, Technology Foresight for Organizers. Ankara, Turkey.
- McNeil, D. & Zeman, J. (2021). Adolescents' reluctance to express emotions: relations to parent emotion socialization. Journal of Child Family Study, 30(1), 107-120.
- Spera, C: Wentzel, K, R. & Matto, H.C. (2009). Parental aspiration for their children's educational attainment: relations to ethnicity, parental education, children's academic performance, and parental perceptions of school climate. Journal of youth and adolescence, 38(8), 1140-1152.